

بررسی رابطه بین هنجار تقابل اجتماعی و قانون‌گریزی استفاده‌کنندگان موتورسیکلت در شهر یزد^۱

ابراهیم مسعودنیا، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان*

چکیده

تحقیق حاضر، با هدف تعیین تفاوت میان استفاده‌کنندگان موتورسیکلت قانون‌گریز و استفاده‌کنندگان موتورسیکلت قانونمند، از نظر هنجار تقابل اجتماعی و مؤلفه‌های آن؛ یعنی تقابل اجتماعی منفی، باور به تقابل اجتماعی و تقابل اجتماعی مثبت انجام شد. این پژوهش، در قالب یک طرح مورد - شاهدی و به ورت مقطعی انجام شد. ۱۹۲ نفر از استفاده‌کنندگان موتورسیکلت که با توجه به شاخص‌ها و معیارهای کارشناسان پلیس راهنمایی و رانندگی، قانون‌گریز شناخته شده بودند (گروه مورد) و ۱۹۲ نفر از استفاده‌کنندگان موتورسیکلت که از نظر کارشناسان پلیس راهور، قانونمند (گروه شاهد) تشخیص داده شده بودند، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. این دو گروه، سپس از نظر مؤلفه‌های هنجار تقابل اجتماعی، با یکدیگر مقایسه شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، عبارت بود از: مقیاس هنجار تقابل (NRS). تفاوت معناداری میان استفاده‌کنندگان موتورسیکلت قانون‌گریز و استفاده‌کنندگان موتورسیکلت قانونمند از نظر هنجار تقابل اجتماعی به طور کلی ($p < 0/01$) و مؤلفه‌های آن؛ یعنی تقابل منفی ($p < 0/01$)؛ باور به تقابل ($p < 0/01$)؛ و تقابل مثبت ($p < 0/01$) وجود داشت. تحلیل رگرسیون لوجستیک چندگانه با روش سلسله‌مراتبی نشان داد که متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی (مرحله اول) ۹/۳ الی ۱۲/۴ درصد، و مؤلفه‌های هنجار تقابل اجتماعی (مرحله دوم)، بین ۱۳/۷ تا ۱۸/۲ درصد از واریانس متغیر ملاک قانون‌گریزی یا قانونمندی در استفاده از موتورسیکلت را تبیین نمایند. هنجار تقابل اجتماعی و مؤلفه‌های آن، نقش مهمی در کاهش و پیشگیری از تمایل استفاده‌کنندگان از موتورسیکلت در شهر یزد در ارتکاب قانون‌گریزی دارند. بنابراین، به‌منظور کاهش نرخ قانون‌گریزی در میان استفاده‌کنندگان از موتورسیکلت، بهتر است در کنار اجرای استراتژی‌های بازدارنده بیرونی، مانند جریمه کردن، مداخله‌های اجتماعی و رفتاری، به اقدام‌های مداخله‌ای اجتماعی و رفتاری به صورت تقویت هنجار تقابل اجتماعی پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: قانون‌گریزی، هنجار تقابل اجتماعی، سرمایه اجتماعی، موتورسیکلت، یزد

۱. این تحقیق با حمایت مالی سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان یزد انجام شده است.

مقدمه

جرم، بی‌نظمی و ترس ناشی از آن، از جمله مهمترین عوامل تعیین‌کننده عدم دستیابی افراد یک جامعه به اهداف جمعی در جهت رفاه و بهزیستی فردی و اجتماعی هستند. از این‌رو، هر جامعه‌ای سعی می‌کند برای اعضای خود، درجه‌ای از امنیت برای فعالیت راکه یک «خیر عمومی»^۱ است، فراهم آورد. با مراجعه به تاریخ تشکیل اجتماعات و دولت‌ها، این امر مشخص می‌شود که موضوع امنیت، در معنای وسیع، به اندازه خود جامعه انسانی قدمت دارد و جوامع ابتدایی اساساً به علت نیاز به امنیت شکل گرفته‌اند. امنیت اجتماعی، طیفی از «خیرهای اجتماعی»، مانند بهداشت و سلامت، توزیع غذا، مراقبت از افراد ناتوان، کمک به یتیمان، مقابله در برابر فجایع، تضمین امنیت جانی و نیز تضمین امنیت در برابر رفتارهای ضد اجتماعی و جرائم می‌شود. بنابراین، جوامع انسانی، برای تضمین امنیت و پیشگیری از رفتارهای ضد اجتماعی، دست به ایجاد مجموعه‌ای از قواعد و هنجارها برای نظارت و کنترل رفتارهای ضداجتماعی زدند، لیکن همیشه، مجموعه‌ای از افراد در هر جامعه بودند که هنجارهای تضمین‌کننده پایداری و قوام جامعه را نقض می‌کردند. برای مثال، برای ایجاد الگویی در زمینه پدیده حمل و نقل در دوران معاصر، که تفاوت‌های چشمگیری با گذشته، به علت ورود تکنولوژی و ماشین پیدا کرده است، مجموعه‌ای از قواعد و قوانین وضع شده است، اما در همه جوامع، به‌ویژه جوامع در حال توسعه، طیف وسیعی از افراد هستند که این قوانین را نادیده می‌گیرند. نادیده گرفتن چنین قوانینی، به تصادفات جاده‌ای، مرگ و میر بالا، خسارت‌های فیزیکی، گسیختگی خانواده پس از تصادفات، و میلیاردها تومان خسارت دیگر منجر می‌شود و طبق برآورد، در سال ۲۰۲۰، سومین عامل مرگ و میر در سطح جهان، حوادث ترافیکی و جاده‌ای خواهد بود (باقیانی مقدم، حلوانی، و احرامپوش، ۱۳۸۵: ۷۰). البته، در این زمینه، متأسفانه کشور ایران در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار دارد. به

گفته مورای و لوپز^۲ (۱۹۹۷)، در ایران، آمار تصادفات رانندگی، روندی رو به افزایش داشته است؛ به طوری که رشدی ۱۰ درصدی دارد و میزان مرگ و میرهای ناشی از حوادث رانندگی، ۱۵ برابر کشورهای توسعه یافته است. استان یزد به لحاظ مرگ و میرهای ناشی از حوادث ترافیکی رتبه اول را در کشور به خود اختصاص داده است. آمار راهنمایی و رانندگی یزد نشان می‌دهد که تعداد مجروحان تصادفات درون‌شهری استان یزد در سال ۸۸، ۶۹۳۱ نفر و تعداد فوت در صحنه ۳ نفر و آمار مجروحان ۵۶۳۲ نفر اعلام شده است (ترقی‌نژاد، ۱۳۸۹).

پژوهش‌های پیشین درباره سبب‌شناسی قانون‌گریزی استفاده‌کنندگان موتورسیکلت، غالباً بر ریسک فاکتورهایی، نظیر: شرایط محیطی، مصرف الکل، مصرف مواد مخدر (هیجار^۳، ۲۰۰۳)، فقدان روشنایی مناسب، سرعت غیرمجاز (فینچ، کافنر، لاکوود و مایکاک^۴، ۱۹۹۴)، استفاده از موبایل (ویلسون، فانگ و ویگنر^۵، ۲۰۰۳؛ ماک، آمگاشی و دارته^۶، ۱۹۹۹)، فقدان اعمال قانون از سوی پلیس راهنمایی و رانندگی و نظایر آن تأکید داشتند. همچنین، برخی از پژوهش‌ها نیز بر عوامل روان‌شناختی، نظیر: پرخاشگری، شخصیت نوع A (پری^۷، ۱۹۸۶، ۲۰۰۰؛ نابی و دیگران^۸، ۲۰۰۵؛ یعقوبی، ۱۳۷۹؛ باقیانی مقدم و دیگران، ۱۳۸۵)، شخصیت عجول، هوش ناکافی، افسردگی، انگیزش پایین (ماتسونوگا^۹، ۱۹۹۶)؛ عوامل فیزیولوژیک نظیر: نوسان توجه، چرخه‌های زیستی، خستگی، بیماری، بدکاری چشم‌ها (ماتسونوگا، ۱۹۹۶)؛ و برخی عوامل اجتماعی، نظیر: سن، جنسیت، اختلاف با دیگران، آشفتگی خانوادگی، داشتن وظایف متعدد (رانی^{۱۰}، ۱۹۹۹؛ ماتسونوگا، ۱۹۹۶) تمرکز داشتند. در این میان، مطالعات اندکی درباره نقش متغیرهای اجتماعی و

² Murray and Lopez

³ Hajar

⁴ Finch, Kompfner, Lockwood and Maycock

⁵ Wilson, Fang and Wiggins

⁶ Mock, Amegashie and Darteh

⁷ Perry

⁸ Nabi and et al.

⁹ Matsunaga

¹⁰ Ranney

¹ Public good

سازمان اجتماعی، نظیر: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی تعریف می‌کند که همکاری و هماهنگی را در جهت منافع متقابل تسهیل می‌نماید. وی می‌گوید:

«در ارتباط با مفهوم سرمایه اجتماعی، هدف من ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر به عمل مؤثرتر در جهت اهداف مشترک می‌کند» (پوتنام، ۱۹۹۶).

در تعریفی جامع از سرمایه اجتماعی، زیرش^۳ (۲۰۰۵)، سرمایه اجتماعی را به دو بخش تفکیک کرده است: زیرساخت^۴ و منابع^۵.

زیرساخت‌ها عبارتند از شبکه‌ها و ارزش‌هایی که دستیابی به منابع را آسان می‌کنند. از سوی دیگر، منابع، به مجموع عواید قابل دستیابی از راه زیرساخت‌ها اشاره دارند. از نظر زیرش، براساس اینکه سرمایه اجتماعی را منبع بدانیم یا پیامد و نتیجه، دو گروه فکری متفاوت به وجود آمده است: گروه اول، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منبع تلقی می‌کنند. این گروه براین اساس، دو بُعد برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند؛ یعنی بُعد ساختاری (برای مثال، شبکه‌های رسمی و غیر رسمی) و بُعد شناختی (برای مثال، ارزش‌هایی نظیر اعتماد و تقابل).

گروه دوم، سرمایه اجتماعی را یک پیامد تلقی می‌کنند. آنها بر این اساس، ملاک‌هایی را برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند. برخی از این ملاک‌ها عبارتند از: جریان اطلاعات، حمایت اجتماعی، نفوذ و کنترل، انسجام اجتماعی، مشارکت مدنی و کار داوطلبانه (زیرش، ۲۰۰۵). تقسیم‌بندی‌ها و تفسیرها از سرمایه اجتماعی در شکل ۱ آمده است.

به‌ویژه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، مانند هنجار تقابل در کاهش جرایم ترافیکی و نقض قوانین رانندگی، به‌ویژه در ایران صورت گرفته است. این در حالی است که، با توجه به رشد جمعیت و شهرنشینی در ایران، به‌عنوان کشوری در حال توسعه، هر روز شاهد خسارات فراوان ناشی از نقض قوانین رانندگی هستیم. از نظر محققان، در صورتی که بخواهیم به هدف کنترل موفق رفتارهای متخلفان در زمینه رانندگی دست یابیم، بهترین راه، تقویت مکانیسم‌های کنترل غیررسمی، به‌ویژه از طریق تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. با توجه به خلأ پژوهش درباره رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی از سوی استفاده‌کنندگان وسایل نقلیه در ایران، پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه بین هنجار تقابل (به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی) و نقض قوانین رانندگی از سوی استفاده‌کنندگان موتورسیکلت انجام شده است.

چارچوب نظری

مدل‌های نظری متعددی درباره علل گرایش افراد به قانون‌گریزی و هنجارشکنی وجود دارد. یکی از مدل‌هایی که در سال‌های اخیر، توجه محققان انحرافات اجتماعی را به خود جلب کرده است، نظریه سرمایه اجتماعی است. در یکی از نخستین آثار مربوط به سرمایه اجتماعی، پیر بوردیو^۱ (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منبعی تعریف می‌کند که افراد آن را از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آورند. بوردیو، سرمایه اجتماعی را تجمع و تراکم منابع واقعی و یا بالقوه تعریف می‌کند که با تملک شبکه بادوام روابط کم و بیش نهادی حاصل از آشنایی و شناخت متقابل ارتباط دارد (زیرش، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، روبرت پوتنام^۲ (۱۹۹۵) سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یک منبع سطح اجتماعی و کالای همگانی می‌پندارد و آن را عبارت از ویژگی‌های

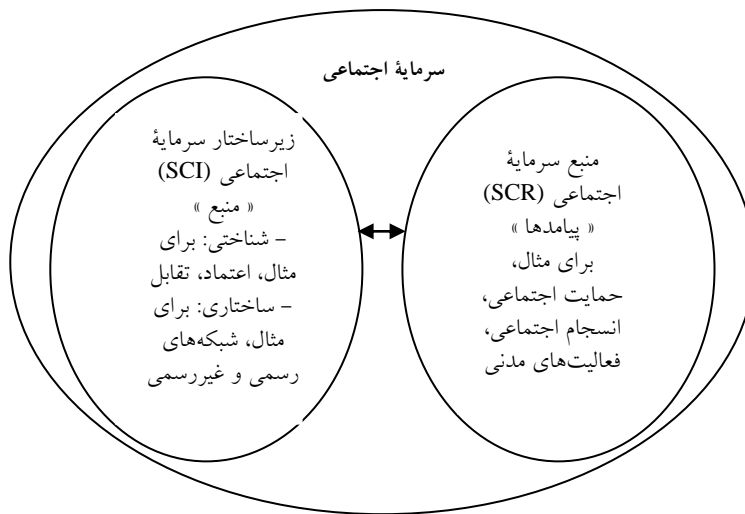
³ Ziersch

⁴ Infrastructure

⁵ Resources

¹ Pierre Bourdieu

² Robert Putnam



شکل ۱- مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (زیرش، ۲۰۰۵)

یک جامعه، به تدریج به اعتماد بین غریبه‌ها و اعتماد ساختار گسترده‌تر نهادهای اجتماعی مبدل می‌شود و در نهایت، به مجموعه مشترکی از ارزش‌ها، فضایل و انتظارات در جامعه مبدل می‌گردد. وی استدلال می‌کند که بدون چنین تعاملاتی، اعتماد اجتماعی رو به زوال می‌رود و در نقطه‌ای خاص، خود را به صورت مسائل اجتماعی، مانند ارتکاب جرم و بزهکاری نشان می‌دهد.

هالپرن^۳ (۲۰۰۹)، مجموعه‌ای از شواهد را ذکر می‌کند که نشان می‌دهند، جوامع با ذخیره مطلوب سرمایه اجتماعی، به احتمال بیشتری از ارقام پایین‌تر جرایم و بزهکاری و همین‌طور، سلامت بهتر، موفقیت تحصیلی بالاتر و رشد اقتصادی بهتر برخوردارند.

برخی از محققان، مانند روزنفلد، مسنر و بامر^۴ (۲۰۰۱)، با استفاده از داده‌های ایالات متحده آمریکا و کنترل تعدادی از متغیرها، اثر منفی و معنادار سرمایه اجتماعی بر جرم و از جمله قتل را نشان دادند. در مطالعه‌ای دیگر، مسنر، بامر و روزنفلد (۲۰۰۴)، با استفاده از مجموعه‌ای از داده‌ها در ایالات متحده آمریکا، ابعاد مختلفی از سرمایه اجتماعی را استخراج کردند. آنها دریافتند که نرخ‌های جرم و از جمله قتل، تحت

در سال‌های اخیر، بسیاری از محققان، در قالب سرمایه اجتماعی، به تبیین جرم و قانون‌گریزی پرداخته و توجه خود را به آثار مثبت و پیشگیری‌کننده جرم توسط سرمایه اجتماعی و مؤلفه آن متمرکز کرده‌اند. برای مثال، سامپسون و گراوز^۱ (۱۹۸۹)، ضمن آنکه سرمایه اجتماعی را وجهی مهم از ساختار اجتماعی تلقی می‌کنند، بر این عقیده‌اند که سه عنصر سازمان اجتماعی، در کنترل رفتار افراد و کاهش جرم مؤثرند: توانایی جامعه در نظارت بر گروه‌های جوانان؛ شبکه‌های دوستی و آشنایی محلی و مشارکت محلی در سازمان‌های رسمی و داوطلبانه. آنها معتقدند که هر سه عنصر یادشده، از عناصر سرمایه اجتماعی‌اند.

فیلد^۲ (۲۰۰۳)، با اشاره به اینکه تز مرکزی نظریه سرمایه اجتماعی، روابطی است که در یک جامعه اتفاق می‌افتد و اینکه شبکه‌های اجتماعی، امتیازات ارزشمندی هستند، استدلال می‌کند که کنش متقابل، افراد را قادر می‌سازد تا اجتماعات را بسازند، خودشان را نسبت به یکدیگر متعهد ببینند و به ساختار اجتماعی متصل کنند. احساس تعلق و تجربه واقعی شبکه‌های اجتماعی می‌تواند منافع زیادی برای افراد به ارمغان بیاورد؛ به این صورت که، اعتماد میان افراد

³ Halpern

⁴ Rosenfeld, Messner and Baumer

¹ Sampson and Groves

² Field

نزدیک (سیالدینی، گرین و راش^۶، ۱۹۹۲)؛ ادراک میان‌فردی (روبارچک و روبارچک^۷، ۱۹۹۸)؛ همکاری (کوماریتا و پارکس^۸، ۱۹۹۹)؛ تعاملات بین‌گروهی (گورن و بورنستین^۹، ۱۹۹۹) و نظایر آن به‌کار رفته است. از نظر بسیاری از محققان، مفهوم تقابل، اغلب برای تبیین الگوهای نتایج در شرایط دشوار اجتماعی استفاده قرار می‌شود. برای مثال، آگسرلود^{۱۰} (۱۹۸۴)، نشان داد که استراتژی «این به آن در^{۱۱}» یا «این در برابر آن»، یک استراتژی تقابل محور است که می‌تواند بالاترین بازدهی و سود را در شرایط دراز مدت تضمین کند. از نظر آگسرلود (۱۹۸۴)، هرچند آثار زیادی درباره تقابل وجود دارد اما در کل، تلاش اندکی برای تهیه تعریف نظری آن انجام شده است. در بیشتر این آثار، تقابل به عنوان استراتژی قابل کاربرد در تعاملات مکرر و اساساً به عنوان بازی‌های شرایط دشوار اجتماعی مکرر تعریف شده است (آگسرلود، ۱۹۸۴). در این بازی‌ها، فرض بر این است که اگر کنشگران از راهبردهای متقابل، مانند «این به آن در» یا «این در برابر آن» استفاده کنند، نتایج همکاری مفید و به نفع کنشگران، در دراز مدت حاصل می‌شود.

برخی از محققان (برای مثال، کر، گارست، لواندوفسکی و هرریس^{۱۲}، ۱۹۹۷)، از مفهوم هنجار اجتماعی درونی‌شده^{۱۳} و برخی مانند سیالدینی، کاگرن و رنو^{۱۴} (۱۹۹۱)، از مفهوم هنجارهای شخصی استفاده کردند. ویژگی مشخصه این مفاهیم این است که فردی که به یک هنجار درونی‌شده اعتقاد دارد، احتمالاً حتی زمانی که هیچ مجازاتی در بیرون در انتظار وی نیست، با قواعد هم‌نوا می‌شود. از سوی دیگر، اشوارتز^{۱۵} (۱۹۷۷)، هنجار شخصی را به عنوان یک استاندارد مبتنی بر

شرایط اعتماد اجتماعی بالا، کاهش می‌یابد. در مطالعه‌ای دیگر، کاملین و کاکران^۱ (۱۹۹۷) دریافتند که نوع‌دوستی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، که با اهدا محبت‌آمیز و خیرخواهانه مشخص می‌شود، اثر منفی و معنادار، بر بیشتر انواع جرایم، از جمله جرایم رانندگی و نیز جرائم خشونت‌بار در شهرهای ایالات متحده آمریکا دارد. در مطالعه‌ای متفاوت، هیتون^۲ (۲۰۰۶)، با بررسی رابطه میان مشارکت مذهبی، به‌عنوان شاخص سرمایه اجتماعی و نرخ جرم، دریافت زمانی که داده‌های تاریخی درباره پایبندی مذهبی تحلیل شد مذهب، هیچ رابطه معناداری با جرایمی مانند جرایم مرتبط به اموال و جرایم خشونت‌بار نداشت.

از جمله مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی که از نظر محققان، اثر کاهنده جرم و قانون‌گریزی دارد، هنجار تقابل است. اگرچه، مفهوم تقابل، در اندیشه متفکران کلاسیک، در حوزه انسان‌شناسی، مردم‌شناسی و تفکر جامعه‌شناختی وجود داشته است و اندیشمندانی مانند جرج زیمل^۳، برانیسلا مالینوفسکی^۴ درباره این مفهوم، مباحثی مطرح ساخته بودند، اما مفهوم تقابل در دوره‌های اخیر، با نام آلون گولدنر^۵ (۱۹۶۰) عجین شده است. در حدود چهار دهه پیش، گولدنر در مقاله‌ای، مفهوم و ابعاد هنجار تقابل را توضیح داده و وجود این هنجار را جهانی قلمداد کرد. گولدنر، هنجار تقابل را عبارت از تمایلی عمومی دانست که در بیشتر جوامع و در سراسر تاریخ یافت می‌شد. این هنجار، نشان می‌دهد که فرد باید به آنهایی که در گذشته به او کمک کرده‌اند، کمک کند و در مقابل، در خصوص آنهایی که در گذشته به او زیان وارد کرده‌اند، تلافی کرده، به آنها زیان وارد سازد.

مفهوم تقابل، در روان‌شناسی اجتماعی نیز به‌منظور تبیین طیف وسیعی از پدیده‌ها، برای مثال، صمیمیت در روابط

⁶ Cialdini, Green and Rusch

⁷ Robarchek and Robarchek

⁸ Komorita and Parks

⁹ Goren and Bornstein

¹⁰ Axelrod

¹¹ Tit-for-tat

¹² Kerr, Garst, Lewandowski and Harris

¹³ Internalized social norms

¹⁴ Cialdini, Kallgren and Reno

¹⁵ Schwartz

¹ Chamlin and Cochran

² Heaton

³ Simmel

⁴ Malinowski

⁵ Gouldner

مقابله کند. اینها، در واقع دو ویژگی تعامل، به عنوان الگوی مبادله دوجانبه هستند. در کنار الگوی مبادله، هنجار تقابلی وجود دارد که تعهدات نسبت به دیگران را بر پایه رفتار گذشته‌شان برمی‌انگیزاند.

دوم، همچنین، هنجار تقابل می‌تواند چندریختی^۴ یا هم ریختی^۵ باشد. در مورد اول (تقابل چندریختی)، یک نیکی یا خدمت، با نیکی یا خدمت متفاوت، ولی با ارزش برابر جبران می‌شود. این همان استراتژی «این به آن در» یا «این در برابر آن» نامیده می‌شود. در مورد دوم (تقابل هم‌ریختی)، یک نیکی یا خدمت، دقیقاً با نیکی یا خدمت مشابه مقابله می‌شود. این تقابل، استراتژی «این به این در» نامیده می‌شود.

سوم، هنجار تقابل، تنها به کنش‌های خیرخواهانه قابل کاربرد نیست. تقابل ممکن است مثبت یا منفی باشد. جمله «چشم در برابر چشم»^۶، در کتاب مقدس، بیانگر تقابل منفی (هم‌ریختی) است. تنبیه و مجازات منفی در مورد نقض‌کنندگان هنجار، حتی اگر مجازات، سنگین و پرهزینه باشد، اغلب با هنجار تقابل مشابه گرفته می‌شود. از این‌رو، تقابل منفی نیز مکانیسمی مهم برای تقویت همکاری است.

و سرانجام، می‌توان تمایزی بین هنجار خودخواهانه و هنجار دگرخواهانه قائل شد؛ برای مثال، آوین گولدنر (۱۹۶۰)، نشان داده است که رفتار تقابل ممکن است از انگیزه‌های خودخواهانه ناشی شود. اگر شما بخواهید که در مواقع دشوار از دیگران کمک بگیرید، باید به آنها در مواقع دشوار کمک کنید.

برخی از محققان، برای مثال، پروگینی، گالوسی، پرساکی و ارکولانی^۸ (۲۰۰۳)، بین سه گونه از تقابل تفکیک قایل شدند: باورها نسبت به تقابل^۹؛ تقابل منفی^{۱۰}؛ و تقابل مثبت^{۱۱}.

خود تعریف می‌کند که بر ارزش‌های درونی‌شده فرد یا انتظار رفتار مبتنی است که از طریق پیش‌بینی پاداش یا تنبیه، تقویت می‌شود. بنابراین، تقابل می‌تواند یک تمایل فردی برای تقابل با رفتار دیگران تلقی شود؛ یعنی، با پاداش دادن به رفتار فرد کمک‌کننده و تلافی کردن رفتار زیان‌آور دیگران.

مفهوم تقابل، رابطه دقیقی با سرمایه اجتماعی دارد. از نظر دیکمن^۱ (۲۰۰۴)، از میان تعاریف مختلفی که از سرمایه اجتماعی شده است، برخی از آنها، مفهوم تقابل را نیز دربرگرفته‌اند؛ برای مثال، پوتنام (۲۰۰۱)، مفهوم سرمایه اجتماعی را بدین‌صورت تعریف کرده است: «سرمایه اجتماعی عبارت است از شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای تقابل مرتبط».

همچنین، در رویکرد هنجار محور فوکویاما^۲ (۲۰۰۰)، هنجار تقابل، عنصر اساسی سرمایه اجتماعی است. از نظر فوکویاما، هنجاری که سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد، طیفی از هنجار تقابل بین دوستان، و همه شیوه‌های دکتری‌های پیچیده‌ای مانند مسیحیت و کنفوسیانیسم را شامل می‌شود. هم پوتنام و هم فوکویاما، بر این اعتقادند که هنجارهای سازنده سرمایه اجتماعی، باعث تقویت همکاری می‌شوند، اگرچه، همکاری همیشه اثر مثبت بر رفاه و بهزیستی کل جامعه ندارد، برای مثال، گروه‌های مافیا.

برخی از محققان (برای مثال، دیکمن، ۲۰۰۴) چندین جنبه از تقابل را برشمرده‌اند: نخست، می‌توان تمایزی میان بخشندگی مشروط و نامشروط^۳ ایجاد کرد؛ برای مثال، برگشت اخلاق و قیحانه دیگران در کتاب مقدس، به این جنبه اشاره دارد. اگر فردی به طور داوطلبانه به دیگری یک کیک بدهد، فرد مقابل، رویکردی مبتنی بر انصاف نامشروط اتخاذ می‌کند. از سوی دیگر، تقابل نوعی انصاف مشروط نیز هست. علاوه بر این، تقابل، جزمی و حتمی نیست، بلکه یک متغیر ابعادی است. دیگری ممکن است کنش خود را به اندازه کمتر یا بیشتر

⁴ Heteromorphic

⁵ Homomorphic

⁶ Tat-for-tat

⁷ An eye for an eye

⁸ Perugini, Gallucci, Presaghi and Ercolani

⁹ Beliefs in reciprocity

¹⁰ Negative reciprocity

¹¹ Positive reciprocity

¹ Diekmann

² Fukuyama

³ Conditional and non-conditional generosity

در مقابل هر کسی که نسبت به شما منفی عمل کرده‌اند، منفی رفتار کنید).

سومین ویژگی به این مربوط است که یک رفتار، چگونه و چه زمانی، منصفانه تلقی می‌شود. انصاف، مفهومی گنگ و پیچیده است که می‌تواند به شیوه‌های مختلفی حاصل شود؛ برای مثال، با تقسیم موهبت به‌طور برابر (برابری^۱)، از طریق متوازن کردن داده‌ها و ستاده‌ها در یک معامله (عدالت^۲) و یا تقابل به شکل دوستانه (تقابل).

بنابراین، مدل‌های نظری مختلف، بر نقش کاهنده جرم توسط سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن اشاره داشتند. این مدل‌ها نشان دادند که نرخ‌های جرم و از جمله قتل، تحت شرایطی که سرمایه اجتماعی در جامعه بالاست، کاهش می‌یابد. نکته دیگر اینکه، به عقیده محققان، هنجار تقابل در صورتی اثر کاهنده جرم در جامعه را دارد که فراتر از روابط خانوادگی و در مقیاس وسیع در جامعه وجود داشته باشد.

در مطالعه حاضر، برای تبیین رابطه میان هنجار تقابل و قانون‌گریزی استفاده‌کنندگان موتورسیکلت، از نظریه انصاف^۳ استفاده شده است. نظریه انصاف، یک چشم‌انداز روان‌شناسی اجتماعی است که در آثار توماس هابز ریشه دارد (وست و ویکلند^۴، ۱۹۸۰). این نظریه معتقد است که انسان‌ها، موجودات اجتماعی هستند که به انصاف در روابط و معاملات خود با دیگران باور دارند. زمانی که افراد به این نتیجه می‌رسند که نتایج و برآیندهای آنها نزدیک و هم‌ارز دروندادهای آنها نیست، احساس ناراحتی می‌کنند. پژوهش‌ها نشان دادند افراد در مقیاس وسیع زمانی که سودهای کمتری دریافت کنند، بیشتر آشفته می‌شوند (دیویس^۵، ۲۰۰۶). نظریه انصاف، انسان‌ها را ذاتاً لذت‌گرا می‌پندارد. این ویژگی مبتنی بر این فرض است که افراد به طور طبیعی منافع شخصی خودشان را با هزینه دیگران تعقیب می‌کنند. این دیدگاه درباره انگیزه مجرمانه، قبلاً

آنها ابتدا، تمایزی بین باورها و رفتارها ایجاد کردند. باورها، به کارآمدی و استفاده گسترده از رفتارهای مبتنی بر تقابل و انتظارات از رفتار تقابلی دیگران، نقش مهمی در پیش‌بینی رفتارهای تقابلی ایفا می‌کند؛ هرچند این باورها از نظر مفهومی باید از اجرای واقعی رفتار تقابلی متمایز شود. در کل، در معنای گسترده، این معقول است بپذیریم که باورهای مربوط به کارآمدی اطاعت از قواعد تقابل، و اینکه بیشتر افرادی که احتمالاً از آن اطاعت می‌کنند، به انجام واقعی یک رفتار تقابلی راغب‌تر می‌شوند.

آنها دومین تمایز عمده درون قلمرو رفتاری را با تفکیک بین تقابل مثبت و منفی ایجاد کرده‌اند. این تمایز، متضمن سه جنبه متفاوت است: نخست، حساسیت نسبت به رویدادهای میان‌فردی مثبت در مقابل رویدادهای میان‌فردی منفی؛ دوم، ترجیح عقلانیت در مقابل رفتار مبتنی بر همکاری (مجازات یا تنبیه مثبت در مقابل منفی) که متوجه هر شخص دیگری است؛ و سوم، مفهوم‌سازی آنچه نشان‌دهنده رفتار مناسب و شایسته است.

نخست، از تقابل‌کنندگان مثبت انتظار می‌رود تا به‌ویژه مستعد واکنش به رفتارهای میان‌فردی مثبت باشند، در حالی که از تقابل‌کنندگان منفی انتظار می‌رود تا به‌ویژه نسبت به رفتارهای میان‌فردی منفی، واکنش نشان دهند. بنابراین، درحالی‌که تقابل‌کنندگان مثبت، به‌ویژه نسبت به رفتارهای دوستانه حساس هستند، گروه دوم (تقابل‌کنندگان منفی) به‌ویژه نسبت به رفتارهای غیردوستانه حساس هستند.

دوم، از تقابل‌کنندگان مثبت انتظار می‌رود تا به‌ویژه مایل به انجام رفتارهای مثبت باشند، یا تنبیهات و مجازات‌های مثبت ارائه کنند و از واکنش مثبت دیگران اطاعت نمایند (برای مثال، با هر کسی که نسبت به شما مهربان باشد، مهربان هستید)، در حالی که از تقابل‌کنندگان منفی انتظار می‌رود زمانی که از دیگران رفتارهای منفی می‌بینند، مایل به انجام رفتارهای منفی یا ارائه مجازات‌های منفی باشند (برای مثال،

¹ Equality

² Equity

³ Equity theory

⁴ West and Wickland

⁵ Davis

موتورسیکلت برداشت‌شان از قواعد و هنجارهای رانندگی، ظالمانه و یا استثماری باشد و اعتقاد بر این باشد که قواعد مذکور تناسبی با توانایی و شرایط استفاده‌کنندگان موتورسیکلت ندارد، قواعد و هنجارهای مذکور را نقض می‌کنند. برآیندهای چنین شرایطی عبارتند از: کاهش پایبندی به هنجارها و قواعد (اینکلان، هيجار و تووار^۵، ۲۰۰۵)، کاهش کنترل‌های غیررسمی (سامپسون، مورنوف و ایرلز^۶، ۱۹۹۹)، کاهش تعهدات مدنی (پورتس و لاندولت^۷، ۱۹۹۶)، کاهش همکاری‌های دگرخواهانه (بونانو، مونتالیو و وانین^۸، ۲۰۰۶)، و هزینه‌ها در مبادلات و روابط اجتماعی (دیکمن، ۲۰۰۴).

توسط جرم‌شناسانی که با چشم‌اندازهای مختلف کنترل اجتماعی موافق بودند، برای مثال: رکلس^۱ (۱۹۷۱)، هیرشی^۲ (۱۹۶۹)، و اخیراً گاتفردسون^۳ و هیرشی (۱۹۹۰) پذیرفته شده بود. در پاسخ به این پرسش که آیا انسان‌ها ممکن است به طور طبیعی لذت‌گرا باشند یا خیر، نظریه انصاف استدلال می‌کند که آنها در نهایت در فرایند اجتماعی شدن می‌آموزند که اگر منصفانه رفتار کنند، پاداش دریافت خواهند کرد. منصفانه رفتار کردن به معنی ارائه داده متناسب با ستاده است. برعکس، اگر افراد بیش از آنچه محق هستند، دریافت کنند، باید انتظار تنبیه داشته باشند (والستر، والستر و برشید^۴، ۱۹۷۸).

مفهوم تقابل، هنجار اصلی و در قلب نظریه انصاف قرار دارد. گولدنر (۱۹۶۰) معتقد است که هنجار تقابل، جهانی بوده، مبتنی بر دو فرض است: الف) فرد باید به آنهایی که قبلاً به او کمک کرده‌اند، کمک کند و ب) فرد نباید به آنهایی که به او کمک کرده‌اند، آسیب برساند. اگر چه گولدنر جهان شمول بودن هنجار تقابل را تصدیق می‌کند، اما بیان می‌دارد که این هنجار، بدون قید و شرط نیست. شرایطی که هنجار تقابل تحت آن عمل می‌کند، به وسیله دو عامل تعیین می‌شوند: الف) ارزش سود دریافت شده و ب) حقوق و تعهدات درونی شده فرد برای مشارکت در تقابل. این حقوق، در فرایند اجتماعی شدن درونی می‌گردند.

در مطالعه حاضر با استفاده از نظریه انصاف، استدلال می‌شود که تخلفات و قانون‌گریزی، از طریق ارائه نتیجه و سودی که فرد متخلف محق آن نیست، نقض می‌کند. در صورتی که افراد به این نتیجه برسند که هنجار تقابل میان آنها و قانون‌گذاران و یا پلیس، منصفانه و متناسب نیست، تلاش می‌کنند تا هنجارهای موجود را زیر پا بگذارند. بنابراین، می‌توان چنین استدلال کرد که: احساس عدم انصاف در تقابل = نقض هنجار. به بیان ساده‌تر، اگر استفاده‌کنندگان

⁵ Inclan, Hajar and Tovar

⁶ Sampson, Morenoff and Earls

⁷ Portes and Landolt

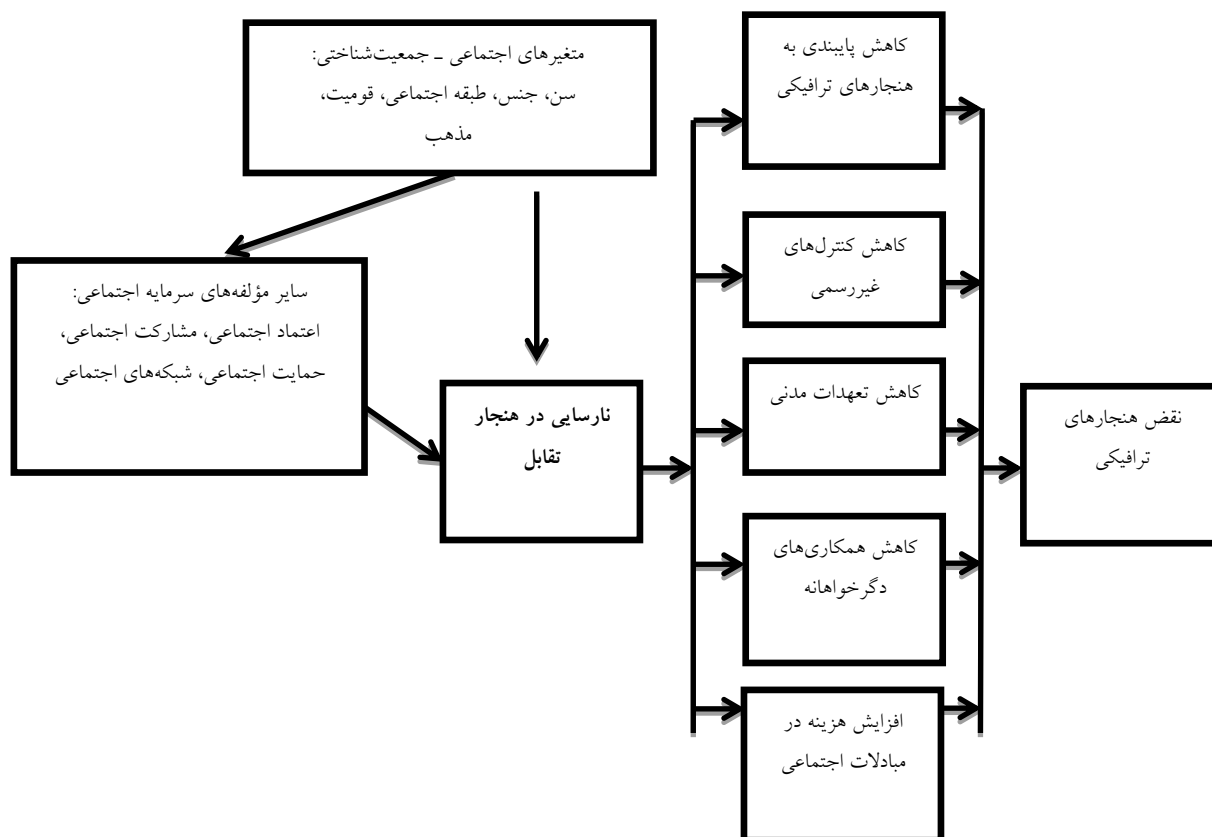
⁸ Buonanno, P. B. Montolio, D. and Vanin

¹ Reckless

² Hirschi

³ Gottfredson

⁴ Walster, Walster and Berscheid



شکل ۲- مدل تحلیلی رابطه هنجار تقابلی با نقض قواعد ترافیکی

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های انجام شده درباره رابطه میان هنجار تقابلی با نرخ جرم در اجتماعات، غالباً نشان‌دهنده اثر کاهش‌دهنده جرم توسط هنجار تقابلی هستند. دیکمن (۲۰۰۴) نشان داده است که هنجار تقابلی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، بر نرخ جرم در جامعه اثر می‌گذارد. وی معتقد است در صورتی که هنجارهای تقابلی، فراتر از روابط خانوادگی بروند، و به اعضای گروه‌های بسته و بیگانه نیز قابل تعمیم باشند، می‌تواند اثر کاهش جرم را داشته باشد. دیکمن استدلال می‌کند که وجود هنجارهای تقابلی در جامعه گسترده، هزینه مبادلات را در روابط و معاملات اجتماعی و فعالیت‌های بازار کاهش می‌دهد. از نظر سامپسون، مورنوف و ایرلز (۱۹۹۹)، برخی از اشکال سرمایه اجتماعی، به‌ویژه کنترل‌های غیررسمی، به تقویت تنظیم رفتارهای افراد از طریق تنظیم

عادات و رفتارهای آنها منجر می‌شوند. اینکلان، هیجار و تووار (۲۰۰۵)، نشان دادند که پایبندی به قواعد رانندگی و نیز تأمین امنیت در رانندگی، تا حد زیادی به برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، مانند هنجار تقابلی، اعتماد، و مشارکت مدنی وابسته است.

پورتس^۱ (۱۹۹۸)، نیز مانند دیکمن نشان داد در صورتی که هنجار تقابلی در سطح جامعه گسترده در جریان باشد، اثر کاهش جرم را به دنبال خواهد داشت. وی معتقد است که تبادلات دوجانبه، به انباشتگی «صورت‌حساب‌های اجتماعی»^۲ منجر می‌شود که کنشگران را به تعهداتی ملزم می‌سازد، بدون آنکه صورت و زمان بازپرداخت آنها مشخص باشد. پورتس، یکی از کارکردهای هنجار تقابلی را کنترل اجتماعی می‌داند. در عین حال، پورتس، اثر کاهش جرم

^۱ Portes, A.

^۲ Social chits

کسب می‌کنند. فعالیت‌های گنگ‌ها و فروش داروهای غیرقانونی، نمونه‌ای است که براساس آن، منابع درآمدی جایگزین برای افراد مطیع قانون عرضه می‌کنند که به شبکه اعضای گنگ‌ها ارتباط دارند.

فوکویاما (۲۰۰۰) و پوتنام (۲۰۰۱)، نیز اعتقاد دارند که هنجار تقابل که از جمله مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی از نظر آنهاست، از طریق تقویت همکاری در جامعه، اثر کاهنده جرم بر جامعه دارد؛ هرچند آنها نیز معتقدند که همیشه همکاری اثر مثبت بر رفاه کل جامعه ندارد و برای مثال، از همکاری در میان اعضای گروه‌های مافیا یاد می‌کنند.

در مطالعه‌ای دیگر، پورتس و لاندولت (۱۹۹۶)، ضمن آنکه تقابل را نشان‌دهنده تعهد مدنی مبتنی بر قواعد مفروض و هنجارهای مشترک تلقی می‌کنند، معتقدند که امنیت هر جامعه تا حد زیادی به پایبندی به قواعد و نیز به ظرفیت مصوبات جمعی بستگی دارد. آنها نشان دادند که تعهدات مدنی، اطاعت و پایبندی افراد در جامعه را تضمین می‌کند و افراد را مستعد و متمایل به کنش جمعی سودمند کرده که همگی به تقابل منجر می‌شوند.

همچنین، بونانو، مونتالیو و وانین (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای متفاوت، نشان دادند که حضور هنجارهای مدنی و تقابل و نیز حضور شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای دگرخواهانه، رابطه مثبتی با برخی از جرایم، از جمله سرقت و دزدی دارد.

با نگاه به پژوهش‌های انجام شده در زمینه تأثیر هنجار تقابل اجتماعی بر کاهش جرم، مشخص می‌گردد که تقویت هنجارهای تقابل اجتماعی در جامعه رابطه معکوسی با نرخ جرم دارد. تقویت هنجار تقابل اجتماعی، از طریق کاهش هزینه مبادلات در روابط و معاملات اجتماعی و فعالیت‌های بازار به کاهش جرایم و تخلفات منجر می‌شود. در صورتی که هنجار تقابل در سطح جامعه گسترده در جریان باشد، این امر به افزایش تبادلات دوجانبه، منجر شده و در طی آن کنشگران ملزم به تعهداتی می‌شوند که تقویت هنجارهای اجتماعی و

توسط هنجار تقابل را حتمی نمی‌داند. وی معتقد است که در برخی از مناطق، ممکن است تراکم بالای پیوندها و کثرت ارتباط و تقابل‌های اجتماعی، شبکه‌های قانونی و غیرقانونی را به یکدیگر مرتبط ساخته و این امر به تقویت سرمایه اجتماعی برای متخلفان منجر شود. وی استدلال می‌کند که تقابل اجتماعی، به دو صورت به تقویت سرمایه اجتماعی در میان متخلفان منجر می‌شود:

نخست، متخلفان ممکن است سرمایه اجتماعی موجود را که از طریق مبادلات دوجانبه طرفینی که با یکدیگر در ارتباط هستند، به وجود آمده است، به خود اختصاص دهند. بزرگسالانی که جوانان منطقه را می‌شناسند، احتمالاً با خانواده، خویشاوندان و معاشران آنها هم‌آشنایی دارند. تقابل و تعامل میان این افراد بزرگسال در منطقه، تعهدات شایان توجهی به بار می‌آورد. این سرمایه اجتماعی، به نوبه خود ممکن است از سوی متخلفان جوان در شبکه، به منظور محدود ساختن اقدامات کنترل اجتماعی که از سوی ساکنان علیه آنها انجام می‌شود، به کار گرفته شود؛ برای مثال، در یک تحلیل قوم‌نگارانه بر روی طبقه متوسط آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار در شیکاگو، پاتیلو^۱ (۱۹۹۸) فرایندی را نشان داد که از طریق آن، شبکه‌های اجتماعی مرتبط و مترکم، به طور فزاینده‌ای تأثیر متقابل بر کنترل اجتماعی جرم داشتند. برای مثال، یکی از ساکنان ناحیه «گروند^۲»، وقتی اقدام مجرمانه یک جوان را مشاهده کرده بود، چنین می‌گوید: «نمی‌خواهم اسم این مرد جوان را بگویم، چون مادرش خانم دوست‌داشتنی و مهربان است». بنابراین، پورتس نتیجه می‌گیرد که افزایش گستره شبکه‌های اجتماعی که گروه‌های خویشاوندی و دوستی منطقه را دربرگیرد، احتمالاً انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی مناسب برای متخلفان را نیز گسترش می‌دهد.

دوم آنکه، متخلفان بالقوه با تبادل مزایای حاصل از اقدامات غیرقانونی با اعضای عادی جامعه، سرمایه اجتماعی

^۱ Pattiilo

^۲ Groveland

بودن بیمه‌نامه و حرکت در خط در نظر گرفته شده برای موتورسیکلت سواران بود. افراد قانون‌گریز، شامل موتورسیکلت‌سوارانی بودند که فاقد رفتارهای برشمرده شده برای افراد قانونمند بوده و افزون بر این، رفتارهایی مانند حرکات ماریج بین خودروها، حرکت در پیاده‌روها، مزاحمت برای عابران پیاده و نظایر آن را مرتکب شده بودند. تشخیص موتورسواران قانونمند از قانون‌گریز، به توسط سه نفر از کارشناسان راهور انجام می‌شد. بدین ترتیب که رانندگانی که از نظر کارشناسان راهور، قانونمند و یا قانون‌گریز تشخیص داده می‌شدند، برای مصاحبه انتخاب می‌شدند. با استفاده از فرمول اصلاح شده کاکران؛ یعنی $n = \frac{t^2 pq}{d^2}$ ، $n = 384$ نفر از استفاده‌کنندگان موتورسیکلت انتخاب شدند. در این فرمول، مقدار p برابر با $0/5$ ؛ مقدار q برابر با $0/5$ و فاصله اطمینان (t) برابر با $1/96$ ، و مقدار خطای مجاز نمونه‌گیری (d) برابر با $0/05$ گرفته شد.

روش نمونه‌گیری

با توجه به فقدان دسترسی به فهرست جامعه؛ یعنی مشخص نبودن تعداد موتورسواران قانونمند و قانون‌گریز (N)، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. در این روش، برای نمونه‌گیری از موتورسواران قانونمند و قانون‌گریز، ابتدا کل نواحی شهرداری شهر یزد، مشخص گردیدند. این شهر دارای سه منطقه شهری است. منطقه یک دارای دو ناحیه، منطقه دو دارای چهار ناحیه و منطقه سه دارای سه ناحیه است. با اضافه کردن نواحی شاهدیه و حمیدیا، شهر یزد دارای یازده ناحیه شهری می‌شود. در مطالعه حاضر، از هر منطقه یک، ناحیه ۲، از منطقه دو، نواحی ۱ و ۳ و از منطقه سه، ناحیه ۱ به طور تصادفی انتخاب شدند. در مرحله بعد، کل خیابان‌های هر ناحیه مشخص شده و در مرحله نهایی، چند خیابان از هر ناحیه، به‌عنوان خوشه‌های مطالعه انتخاب شدند. سپس، با همه موتورسیکلت‌سوارانی که

رعایت آنها را به دنبال خواهد داشت. لذا از نظر محققان، یکی از کارکردهای هنجار تقابلی می‌تواند کنترل اجتماعی باشد.

فرضیه‌های تحقیق

بین استفاده‌کنندگان قانونمند و قانون‌گریز موتورسیکلت از نظر هنجار تقابلی اجتماعی کلی تفاوت وجود دارد؛
 بین استفاده‌کنندگان قانونمند و قانون‌گریز موتورسیکلت از نظر هنجار تقابلی اجتماعی منفی تفاوت وجود دارد؛
 بین استفاده‌کنندگان قانونمند و قانون‌گریز موتورسیکلت از نظر باور به تقابلی اجتماعی تفاوت وجود دارد؛
 بین استفاده‌کنندگان قانونمند و قانون‌گریز موتورسیکلت از نظر هنجار تقابلی اجتماعی مثبت تفاوت وجود دارد.

روش شناسی

روش تحقیق

این پژوهش در قالب یک طرح مورد - شاهدی^۱ و به صورت مقطعی، انجام شد. داده‌های این مطالعه، در ماه‌های تیر و مرداد ۱۳۹۰، در مرکز پلیس راهنمایی و رانندگی و نیز در سطح خیابان‌های شهر یزد جمع‌آوری شدند.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش مرکب از همه افرادی بودند که برای انجام یکی از کارهای روزمره؛ یعنی خرید روزانه، رفتن به سر کار، و یا مسافركشی و حتی تفریح، از موتورسیکلت استفاده می‌کردند. این جمعیت، با توجه به قوانین راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی کشور، به دو گروه: موتورسواران قانون‌گریز (گروه مورد) و موتورسواران قانونمند (گروه شاهد) تقسیم شده بودند. معیار تشخیص موتورسواران قانونمند از قانون‌گریز، رعایت قوانین رانندگی با موتورسیکلت؛ یعنی استفاده از کلاه ایمنی، ایستادن پشت چراغ قرمز، داشتن گواهینامه رانندگی با موتورسیکلت، دارا

¹ Case-control

مؤلفه‌های هنجار تقابل اجتماعی؛ یعنی تقابل منفی ($r = ۰/۲۷$)، باور به تقابل ($r = ۰/۴۵$) و تقابل مثبت ($r = ۰/۴۹$) داشت.

از آنجا که این مقیاس تاکنون در ایران استفاده نشده بود، بنابراین، ابتدا، مقیاس فوق، توسط محقق به فارسی برگردانده شد و سپس اعتبار ساختاری و پایایی درونی آن بررسی شد. به‌منظور تعیین ساختار عاملی و هنجاریایی مقیاس هنجار تقابل و نیز تعیین اینکه کدامیک از آیتم‌ها به بهترین نحوی معرف هر یک از ابعاد مقیاس مذکور هستند، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی بر روی ۲۷ آیتم مقیاس هنجار تقابل انجام شد. در این تحلیل، از روش چرخش واریماکس استفاده شده و معیار انتخاب، مقادیر ویژه بالاتر از ۱ بود.

نتایج نشان داد که از ۲۷ آیتم وارد شده، به‌منظور انجام تحلیل مؤلفه‌های اصلی، سه عامل ایجاد شدند. این عوامل، براساس مبانی نظری (پروگینی، گالوسی، پرساقی و ارکولانی، ۲۰۰۳)، با عناوین تقابل منفی، باور به تقابل، و تقابل مثبت نامیده شدند. همچنین، عامل اول؛ یعنی تقابل منفی، بیشترین درصد ($۲۱/۷۲۲\%$) از واریانس هنجار تقابل را تبیین کرده است. عامل دوم؛ یعنی باور به تقابل، $۱۴/۶۲۸\%$ درصد و عامل سوم؛ یعنی تقابل مثبت، $۶/۵۲۹\%$ درصد از واریانس سازه هنجار تقابل اجتماعی را تبیین نمودند. این سه عامل، در مجموع $۴۲/۸۸\%$ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند.

مقدار KMO برای مقیاس هنجار تقابل، برابر با $۰/۸۳۶$ ، محاسبه شد که نشان‌دهنده متناسب بودن حجم نمونه برای اجرای تحلیل مؤلفه‌های اصلی بود. آزمون بارتلت نیز با مقدار $\chi^2_{(351)} = ۳۷۷۲/۱۶۰$ ، $p < ۰/۰۰۱$ نشان‌دهنده درست بودن تفکیک عامل‌ها بود.

در خوشه‌های انتخاب‌شده، طی یک ماه تردد می‌کردند، مصاحبه شد.

ابزار سنجش

ویژگی‌های اجتماعی - جمعیت‌شناختی

برای دستیابی به مشخصه‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی نمونه‌ها، از یک سیاهه، شامل سن، میزان تحصیلات، میزان درآمد ماهیانه، وضعیت شغلی، وضعیت تأهل و نوع استفاده از موتورسیکلت استفاده می‌شد.

هنجار تقابل اجتماعی

برای سنجش هنجار تقابل اجتماعی، از مقیاس هنجار تقابل پروگینی، گالوسی، پرساقی و ارکولانی^۱ (۲۰۰۳) استفاده شد. این مقیاس، مرکب از ۲۷ ماده بود که براساس یک طیف پنج درجه‌ای (خیلی موافق، موافق، نه موافق نه مخالف، مخالف و خیلی مخالف) سنجیده می‌شد. سازندگان مقیاس هنجار تقابل (۲۰۰۳)، برای تعیین اعتبار این مقیاس، از روش تحلیل عاملی استفاده کردند. آنها با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی بر روی ۲۷ ماده مقیاس، سه عامل با عناوین تقابل منفی، باور به تقابل و تقابل مثبت استخراج کردند. دامنه نمره‌های این مؤلفه‌ها، در جدول ۱ آمده است. آنها همچنین، اعتبار این وسیله را با استفاده از روش اعتبار پیش‌بین و اعتبار ملاک بررسی کردند که نتایج، بسیار رضایت‌بخش بوده است. سازندگان مقیاس، برای تعیین میزان پایایی مقیاس هنجار تقابل، از روش آزمون‌های هم‌تا استفاده کردند. بدین منظور، آنها، مقیاس مزبور را با یک مقیاس مشابه دیگر با عنوان مقیاس ایدئولوژی تقابل^۲ (ایزنبرگر، کاترل و مارول^۳ (۱۹۸۷) مقایسه و همبستگی میان آنها را محاسبه کردند. نتایج نشان داد که مقیاس هنجار تقابل جدید، همبستگی بالایی ($r = ۰/۵۴$)، با مقیاس ایزنبرگر، کاترل و مارول، و نیز همبستگی بالایی با

^۱ Perugini, Gallucci, Presaghi and Ercolani

^۲ Reciprocation Ideology Scale

^۳ Eisenberger, Cotterell and Marvel

جدول ۱- تحلیل مؤلفه‌های اصلی آیتم‌های هنجار تقابل اجتماعی

۳	۲	۱	مؤلفه‌ها
			تقابل منفی ($\alpha = 0/80$)
-0/020	0/120	0/828	۲۴. اگر کسی در حقم بی‌انصافی کند، ترجیح می‌دهم تا حقش را کف دستش بگذارم تا اینکه عذرخواهی او را بپذیرم.
0/063	0/125	0/786	۲۵. من نسبت به کسی که با من بدرفتاری کرده، لطف نمی‌کنم حتی اگر به زیان من تمام شود.
-0/089	0/119	0/784	۲۳. اگر کسی مرا بی‌بازارد، من هم او را آزار می‌دهم.
-0/044	0/081	0/783	۲۶. اگر کسی با من بی‌ادبانه رفتار کند، من هم با او بی‌ادبانه رفتار می‌کنم.
0/104	0/112	0/752	۲۲. اگر کسی مرا در موقعیت سخت و دشواری قرار دهد، من هم همین کار را با او می‌کنم.
-0/024	-0/090	0/719	۲۰. دوست دارم تا وقتم را برای گرفتن تقاص از کسی که نسبت به من بی‌انصافی کرده، صرف کنم.
-0/046	-0/005	0/665	۱۹. اگر احساس کنم که کسی در حقم بی‌انصافی کرده، به هر قیمتی که شده خیلی زود انتقامم را از او می‌گیرم.
0/023	0/122	0/610	۲۱. فقط در صورتی که دیگران با من به‌خوبی رفتار کنند، مهربان و صمیمی هستم.
0/132	0/231	0/486	۲۷. شیوه رفتار من با دیگران بستگی به این دارد که آنها چگونه با من رفتار می‌کنند.
			باور به تقابل ($\alpha = 0/78$)
0/125	0/725	-0/016	۵. وقتی به کسی احترام می‌گذارم، انتظار دارم که او نیز به من احترام بگذارد.
0/175	0/632	-0/056	۴. اگر سخت کار کنم، توقع دارم که پاداش خوبی به من داده شود.
0/104	0/609	0/197	۸. این واضح است که اگر با کسی بدرفتاری کنم، او نیز تلافی خواهد کرد.
0/102	0/586	0/052	۱. من به دیگران کمک می‌کنم تا در مواقع نیاز کسی به من کمک کند.
-0/081	0/564	0/335	۷. اگر به یک مسافر کمک کنم، توقع دارم که از من به‌خوبی تشکر کند.
-0/125	0/511	0/424	۹. اگر به کارگران رستوران انعام بدهم، توقع دارم که اگر بار دیگر به آنجا رفتم، بیشتر به من رسیدگی کنند.
0/104	0/505	0/126	۳. من از واکنش‌های کسی که قبلاً به او بدرفتاری کرده‌ام، واهمه دارم.
0/299	0/465	-0/073	۲. من با دیگران بدرفتاری نمی‌کنم و این باعث می‌شود که آنها نیز با من بدرفتاری نکنند.
0/096	0/221	0/048	۶. من بی‌ادبی نمی‌کنم، چون انتظار ندارم که دیگران نسبت به من بی‌ادب باشند.
			تقابل مثبت ($\alpha = 0/73$)
0/746	0/155	-0/168	۱۵. اگر کسی مؤدبانه از من راهنمایی بخواهد، خوشحال می‌شوم به او کمک کنم.
0/733	0/251	-0/148	۱۱. اگر کسی به من لطفی بکند، دوست دارم آن را جبران کنم.
0/726	0/218	-0/115	۱۴. وقتی کسی به من لطفی بکند، وظیفه خودم می‌بینم تا لطف او را جبران کنم.
0/709	0/257	-0/034	۱۰. دوست دارم به هر قیمتی که شده، به کسی که قبلاً به من کمک کرده، کمک کنم.
0/530	0/012	0/245	۱۷. اگر کسی به نام من یک بلیط قرعه‌کشی بخرد و من برنده شوم، مطمئناً بخشی از پول برنده شده را به او می‌دهم.
0/433	-0/054	0/308	۱۶. اگر کسی از سر لطف به من پولی قرض بدهد، احساس می‌کنم که باید چیزی بیشتر از آنچه به من داده، به او بدهم.
0/373	0/234	0/316	۱۸. رفتار من با دیگران تا حد زیادی بستگی به این دارد که دیگران چگونه با من رفتار می‌کنند.
0/254	0/007	0/012	۱۲. اگر کسی در محل کار با من مهربان باشد، خوشحال می‌شوم به او کمک کنم.
0/229	0/040	-0/004	۱۳. دوست دارم تا هر کار پرزحمتی را انجام دهم تا کار کسی را که قبلاً به من کمک کرده جبران کنم.

ترتیب برابر با ۰/۸۰، ۰/۷۸، و ۰/۷۳ بوده است. این مقادیر در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار هستند. همچنین، برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری، از روش اعتبار سازه (به روش تحلیل عاملی) در پرتو نظریه هنجار تقابل پروگنی، گالوسی، پرساقی و ارکولانی (۲۰۰۳) استفاده شد.

برای محاسبه میزان پایایی درونی مقیاس هنجار تقابل و نیز مؤلفه‌های آن، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که میزان پایایی درونی مقیاس اعتماد اجتماعی به‌طور کلی، برابر با ۰/۹۲ و برای خرده‌مقیاس‌های تقابل منفی، باور به تقابل، و تقابل مثبت، به

جدول ۲- مؤلفه‌های هنجار تقابل اجتماعی همراه با مقدار واریانس تبیین شده و مقدار آلفای هر بعد

مقیاس	عامل ها	تعداد ماده	دامنه نمره	میانگین	انحراف معیار	درصد واریانس تبیین شده	α
مقیاس هنجار تقابل منفی	تقابل منفی	۹	۹-۴۵	۳/۲۱	۰/۹۱۱	۲۱/۷۲۲	۰/۸۸
تقابل اجتماعی	باور به تقابل	۹	۹-۴۵	۳/۸۹	۰/۵۹۱	۱۴/۶۲۸	۰/۸۴
	تقابل مثبت	۹	۹-۴۵	۴/۱	۰/۵۵۴	۶/۵۲۹	۰/۸۳

درصد) بود. در میان گروه استفاده‌کننده قانون‌گریز نیز بالاترین استفاده از موتورسیکلت، به امر استفاده از آن برای رفتن به محل کار (۵۶/۸ درصد) و خرید روزانه (۱۸/۸ درصد) بوده است.

یافته‌های تحلیلی

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از آماره t مستقل استفاده شد و نتایج زیر به دست آمد (جدول ۳):

۱- تفاوت معناداری میان موتورسواران قانونمند و قانون‌گریز از نظر سطح کلی هنجار تقابل اجتماعی، با توجه به مقدار: ($t_{(382)} = -2/274$; $p < 0/01$) وجود داشت. به بیان دیگر، میانگین نمره موتورسواران قانونمند در مقیاس تقابل اجتماعی (۳/۷۹)، به گونه معناداری بالاتر از میانگین نمره موتورسواران قانون‌گریز (۳/۱۲) بوده است. به بیان دیگر، سطح تقابل اجتماعی ادراک شده کلی موتورسواران قانونمند، بالاتر از موتورسواران قانون‌گریز بوده است.

۲- تفاوت معناداری میان موتورسواران قانونمند و قانون‌گریز از نظر هنجار تقابل اجتماعی منفی، ($p < 0/01$); مقدار: ($t_{(382)} = -3/165$) وجود داشت. میانگین نمره موتورسواران قانون‌گریز در خرده مقیاس تقابل اجتماعی منفی (۳/۵۳)، به

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

۳۸۴ نفر از استفاده‌کنندگان موتورسیکلت در دو گروه: استفاده‌کنندگان قانونمند (۱۹۲ نفر) و استفاده‌کنندگان قانون‌گریز (۱۹۲ نفر) بررسی شدند. میانگین سنی گروه قانونمند برابر با ۲۶/۰۷ با انحراف معیار ۸/۶۱ و میانگین سنی گروه قانون‌گریز برابر با ۲۴/۶۰ با انحراف معیار ۷/۷۴ بود. از نظر وضعیت تحصیلی، بیشتر افراد در گروه قانون‌گریز، از تحصیلات سطح متوسطه (۵۵/۷ درصد) و راهنمایی (۲۱/۹ درصد) برخوردار بودند. در گروه قانونمند، ۵۳/۶ درصد از تحصیلات متوسطه و ۲۱/۸ درصد نیز از تحصیلات عالی (لیسانس و فوق لیسانس) برخوردار بودند. به بیان دیگر، درصد افراد با تحصیلات عالی، در گروه استفاده‌کنندگان قانونمند بیشتر بوده است (۲۱/۸ درصد در مقابل ۱۰/۴ درصد). از نظر وضعیت تأهل، ۵۸/۳ درصد گروه استفاده‌کننده قانون‌گریز، مجرد و ۴۱/۷ درصد نیز متأهل بودند. در گروه استفاده‌کنندگان قانونمند، ۵۹/۴ درصد، مجرد و ۴۰/۶ درصد نیز متأهل بودند. از نظر نوع استفاده از موتورسیکلت در گروه استفاده‌کنندگان قانونمند، بالاترین استفاده از موتورسیکلت مربوط به رفتن به سرکار (۴۰/۶ درصد) و خرید روزانه (۲۴/۵)

گونه معناداری بالاتر از میانگین نمره موتورسواران قانون‌گریز (۳/۷۹) (گروه مورد) بوده است.

۴- تفاوت معناداری میان موتورسواران قانونمند و قانون‌گریز از نظر هنجار تقابل اجتماعی مثبت، ($p < 0/01$); $t_{(382)} = -3/155$ وجود داشت. میانگین نمره موتورسواران قانونمند در خرده مقیاس تقابل اجتماعی مثبت (۴/۱۸)، به گونه معناداری بالاتر از میانگین نمره موتورسواران قانون‌گریز (۳/۶۲) (گروه مورد) بوده است.

گونه معناداری بالاتر از میانگین نمره موتورسواران قانونمند (۲/۷۸) بوده است. به بیان دیگر، سطح تقابل اجتماعی منفی ادراک شده موتورسواران قانون‌گریز، بالاتر از موتورسواران قانونمند بوده است.

۳- تفاوت معناداری میان موتورسواران قانونمند و قانون‌گریز از نظر باور به هنجار تقابل اجتماعی، ($p < 0/01$); $t_{(382)} = -3/494$ وجود داشت. میانگین نمره موتورسواران قانونمند در خرده مقیاس باور به تقابل اجتماعی (۴/۰۰)، به

جدول ۳- مقایسه موتورسواران قانونمند و قانون‌گریز از نظر هنجار تقابل و مؤلفه‌های آن

P-value	t	قانون‌گریز (مورد)		قانونمند (شاهد)		متغیر
		Mean \pm S.D	فراوانی	Mean \pm S.D	فراوانی	
0/008**	-3/165	3/53 \pm 1/03	192	2/78 \pm 0/863	192	تقابل اجتماعی منفی
0/001**	-3/494	3/79 \pm 0/658	192	4/00 \pm 0/495	192	باور به تقابل اجتماعی
**0/003	-3/155	3/62 \pm 0/616	192	4/18 \pm 0/668	192	تقابل اجتماعی مثبت
**0/005	-2/274	3/12 \pm 0/655	192	3/79 \pm 0/443	192	تقابل اجتماعی کل

**P < 0/01

تحلیل چندگانه

به‌منظور تعیین سهم مؤلفه‌های هنجار تقابل اجتماعی و نیز متغیرهای کنترل (سن، میزان تحصیلات، میزان درآمد، نوع شغل، محل اقامت، وضعیت تأهل و سابقه استفاده از موتورسیکلت) در پیش‌بینی قانون‌مندی یا قانون‌گریزی استفاده‌کنندگان از موتورسیکلت و نیز پیش‌بینی عضویت افراد در هر گروه، تحلیل رگرسیون لجستیک در دو مرحله: متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی در مرحله اول، و مؤلفه‌های هنجار تقابل اجتماعی، در مرحله دوم انجام شد. نتایج جدول ۴ نشان داد که مجموع متغیرهای کنترل وارد شده در مرحله اول، توانستند با مقدار:

$$9/3, (Cox \& Snell R^2 = 0/093, Nag. R^2 = 0/124)$$

تا ۱۲/۴ درصد از واریانس متغیر ملاک قانونمند بودن یا قانون‌گریزی در استفاده از موتورسیکلت را تبیین کنند. از میان این متغیرها، سن با مقدار ($B = 0/035$; $P < 0/05$; $\beta = 1/03$); $OR = 1/03$; $P < 0/01$; $B = -0/208$) متغیر میزان تحصیلات

($OR = 1/23$)؛ و متغیر محل اقامت با مقدار ($B = 0/999$); $P < 0/05$; $OR = 2/72$) توانستند پیش‌بینی کننده مؤثری برای قانونمند شدن یا قانون‌گریز شدن در استفاده از موتورسیکلت باشند. از آنجا که محاسبه R^2 در رگرسیون لجستیک امکان‌پذیر نیست، بنابراین، از آماره‌های کاکس و اسنل و مجذور آر Nagelkerke استفاده می‌شود. این آماره‌ها، تقریب مفیدی از میزان واریانس تبیین‌شده متغیر ملاک ارائه می‌کنند. مقدار ($\chi^2_6 = 37/58$) نشان‌دهنده مؤثر بودن متغیرهای موجود در مدل در مرحله نخست بر متغیر ملاک قانونمند شدن یا قانون‌گریز شدن در استفاده از موتورسیکلت است. در این مرحله، متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی توانستند ۶۰/۷ درصد از آزمودنی‌ها را به درستی طبقه‌بندی کنند. همچنین، مقدار ($-2 \text{ Log likelihood} = 480/04$) نشان از برازش خوب مدل دارد.

در مرحله دوم، مؤلفه‌های هنجار تقابل اجتماعی وارد مدل شدند. این متغیرها، با مقدار:

موجود در مدل در مرحله دوم بر متغیر ملاک قانونمند شدن یا قانون‌گریز شدن در استفاده از موتورسیکلت است. همچنین، مقدار $(-2 \text{ Log likelihood} = ۴۷۵/۹۲)$ نشان از برازش خوب مدل دارد. نکته مهم اینکه، با ورود مؤلفه‌های هنجار تقابل در مدل، $۴/۴$ تا $۵/۸$ درصد از واریانس متغیر ملاک بهبود بخشیده شد. همچنین، در مرحله دوم و با اضافه شدن مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به مدل، $۶۳/۵$ درصد از آزمودنی‌ها به درستی طبقه‌بندی شدند.

$(Cox \& Snell R^2 = ۰/۱۳۷ \text{ Nag. } R^2 ; = ۰/۱۸۲)$ نشان داد که این مجموعه از متغیرها، بین $۱۳/۷$ تا $۱۸/۲$ درصد از واریانس متغیر ملاک قانونمند شدن یا قانون‌گریز شدن در استفاده از موتورسیکلت را تبیین کردند. در این میان، مؤلفه‌های تقابل منفی، با مقدار $(B = ۰/۲۴۳ ; P < ۰/۰۱)$ ؛ و مؤلفه تقابل مثبت، با مقدار: $(OR = ۲/۰۰ ; B = -۰/۱۹۶)$ ، بیشترین توان را برای پیش‌بینی متغیر ملاک قانونمند شدن یا قانون‌گریز شدن در استفاده از موتورسیکلت را داشتند.

مقدار $(\chi^2_3 = ۱۸/۸۲)$ نشان‌دهنده مؤثر بودن متغیرهای

جدول ۴- الگوی رگرسیون لجستیک برای پیش‌بینی قانونمند شدن یا قانون‌گریزی با توجه به متغیرهای اجتماعی، جمعیت‌شناختی و مؤلفه‌های هنجار

تقابل

مدل دوم					مدل اول					متغیر
P	OR	Wald	SE	B	P	OR ^۱	Wald	S.E.	B	
										متغیرهای اجتماعی-
										جمعیت‌شناختی
										سن
										میزان تحصیلات (به سال)
										میزان درآمد
										رتبه شغلی
										محل اقامت
										وضعیت تأهل
										مؤلفه‌های هنجار تقابل
										اجتماعی
										تقابل منفی
										باور به تقابل اجتماعی
										تقابل مثبت
										-2 Log likelihood
										Nagelkerke R²
										R² Cox & Snell
										$\chi^2_{(۸)}$
										Total predicted
										N

* $P < ۰/۰۵$; ** $P < ۰/۰۱$

^a معنادار نیست

1: Odds ratio

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تعیین تفاوت میان استفاده‌کنندگان موتورسیکلت قانونمند و قانون‌گریز از نظر هنجار تقابل اجتماعی و مؤلفه‌های آن انجام شد. در خصوص رابطه میان هنجار تقابل اجتماعی و قانون‌گریزی استفاده‌کنندگان از موتورسیکلت، ابتدا برای بررسی این رابطه، یک تحلیل مؤلفه‌های اصلی بر روی مقیاس هنجار تقابل پروگنی، گالوسی، پرساکی و ارکولانی (۲۰۰۳) انجام شد. در نتیجه این تحلیل، سه مؤلفه از سازه هنجار تقابل، با عنوان: تقابل منفی، باور به تقابل و تقابل مثبت استخراج شدند. در مرحله بعد، دو گروه مورد (موتورسیکلت‌سواران قانون‌گریز) و شاهد (موتورسیکلت‌سواران قانونمند) از نظر هنجار تقابل به طور کلی و نیز از نظر مؤلفه‌های تقابل منفی، باور به تقابل و تقابل مثبت مقایسه شدند. نتایج پژوهش نشان داد که:

تفاوت معناداری بین دو گروه موتورسیکلت‌سواران قانون‌گریز و قانونمند از نظر سطح کلی هنجار تقابل اجتماعی وجود داشت. میانگین نمره موتورسواران قانونمند در مقیاس تقابل اجتماعی، به گونه معناداری بالاتر از میانگین نمره موتورسواران قانون‌گریز (گروه مورد) بوده است. به بیان دیگر، سطح تقابل اجتماعی ادراک شده کلی موتورسواران قانونمند، بالاتر از موتورسواران قانون‌گریز بوده است. این نشان می‌دهد که موتورسواران قانونمند، باور بیشتر و نیرومندتری به هنجار تقابل در جامعه در مقایسه با موتورسواران متخلف و قانون‌گریز دارند.

در خصوص مقایسه دو گروه موتورسیکلت‌سواران قانون‌گریز و موتورسیکلت‌سواران قانونمند از نظر مؤلفه‌ها و خرده‌مقیاس‌های سازه تقابل اجتماعی نیز تفاوت معناداری میان دو گروه، از نظر خرده‌مقیاس تقابل اجتماعی منفی؛ باور به تقابل اجتماعی؛ و تقابل اجتماعی مثبت وجود داشت. رابطه معکوسی بین هنجار تقابل اجتماعی منفی و قانون‌گریزی استفاده‌کنندگان موتورسیکلت وجود داشت. استفاده‌کنندگان قانون‌گریز، از میانگین نمره بالاتری بر روی خرده‌مقیاس تقابل منفی در مقایسه با استفاده‌کنندگان قانونمند برخوردار

بودند. استفاده‌کنندگان قانون‌گریز، بیشتر از استفاده‌کنندگان قانونمند مایل به واکنش منفی نسبت به رفتارهای منفی دیگران نسبت به آنها بودند؛ برای مثال، آنها معتقد بودند نسبت به کسی که به آنها بی‌انصافی کرده است، تمام تلاش خود را در جهت گرفتن تقاص و انتقام انجام خواهند داد، و یا اگر کسی آنها را بیازارد، آنها هم او را آزار خواهند داد. برعکس، در ارتباط هنجار تقابل مثبت، استفاده‌کنندگان قانونمند، نمره بالاتری بر روی خرده‌مقیاس تقابل مثبت کسب کردند. استفاده‌کنندگان قانونمند، تمایل بیشتری به جبران نیکی‌های دیگران نسبت به آنها در مقایسه با استفاده‌کنندگان قانون‌گریز داشتند. برای مثال، آنها تمایل بیشتری به کمک به دیگران و جبران نیکی دیگران به هر قیمتی در مقایسه با استفاده‌کنندگان قانون‌گریز داشتند. بنابراین، همان‌گونه که انتظار می‌رفت، تقابل‌کنندگان مثبت (استفاده‌کنندگان قانونمند)؛ به‌ویژه مستعد واکنش به رفتارهای میان‌فردی مثبت بودند، در حالی که تقابل‌کنندگان منفی (استفاده‌کنندگان قانون‌گریز) به‌ویژه نسبت به رفتارهای میان‌فردی منفی، واکنش نشان می‌دادند. درحالی‌که تقابل‌کنندگان مثبت، نسبت به رفتارهای دوستانه حساس بودند، گروه دوم (تقابل‌کنندگان منفی) نسبت به رفتارهای غیردوستانه حساس بودند. همچنین، تقابل‌کنندگان مثبت بیشتر از تقابل‌کنندگان منفی مایل به انجام رفتارهای مثبت بودند، یا تمایل داشتند تا تنبیهات و مجازات‌های مثبت ارائه کنند، و از واکنش مثبت دیگران اطاعت نمایند، در حالی که تقابل‌کنندگان منفی زمانی که از دیگران رفتارهای منفی می‌دیدند، مایل به انجام رفتارهای منفی یا ارائه مجازات‌های منفی بودند.

استفاده‌کنندگان قانونمند همچنین، نمره بالاتری بر روی خرده‌مقیاس باور به تقابل در مقایسه با استفاده‌کنندگان قانون‌گریز دریافت کردند. آنها، بیشتر از استفاده‌کنندگان قانون‌گریز به وجود هنجار تقابل به عنوان شرط ضروری و لازم در زندگی اجتماعی باور داشتند. آنها بیشتر از استفاده‌کنندگان قانون‌گریز باور داشتند که دریافت احترام، نیکی، حسن توجه، کمک و رفتار مؤدبانه از سوی دیگران، در

ابتدا به کیفیت رفتار ما نسبت به دیگران بستگی دارد. بنابراین، برای مثال، آنها معتقد بودند که اگر ما به دیگری احترام بگذاریم، انتظار داریم تا او نیز به ما احترام بگذارد، و یا اگر به دیگران در مواقع نیاز کمک کنیم، آنها نیز در مواقع دشوار به ما کمک می‌کنند. این در واقع، مؤید آن است که استفاده‌کنندگان قانونمند بیشتر از استفاده‌کنندگان قانون‌گریز، نگرش مثبت و نیز اعتماد بالاتری به دیگران در جامعه دارند. چنین نگرشی نسبت به دیگران و نیز باور به اینکه رفتار دیگران نسبت به ما تا حد زیادی به رفتار ما نسبت به آنها دارد، عاملی مهم در اجتناب از قانون‌گریزی به‌شمار می‌رود.

نتایج این پژوهش درباره رابطه میان تقابل اجتماعی و قانون‌گریزی، با بسیاری از تحقیقات پیشین که در قالب نظریه سرمایه اجتماعی انجام شده بودند، همخوانی داشت. برای مثال، نتایج این پژوهش، یافته‌های دیکمن (۲۰۰۴) را که معتقد بود در صورتی که هنجار تقابل اجتماعی فراتر از روابط خانوادگی برود، اثر کاهنده جرم در جامعه را خواهد داشت، تأیید می‌کند. پورتس (۱۹۹۸)، نیز مانند دیکمن معتقد بود در صورتی که هنجار تقابل در سطح جامعه گسترده در جریان باشد، اثر کاهنده جرم را به دنبال خواهد داشت. این نتیجه، همچنین، یافته‌های مطالعه پاتیلو (۱۹۹۸)؛ فوکویاما (۲۰۰۰)؛ پوتنام (۲۰۰۱)؛ پورتس و لاندولت (۱۹۹۶)؛ و بونانو، مونتالیو و واین (۲۰۰۶) را که معتقد بودند وجود هنجار تقابل در جامعه، به کاهش نرخ جرم و قانون‌گریزی منجر می‌شود، تأیید کرده است.

اینکه وجود هنجار تقابل، از طریق چه مکانیسم‌هایی به کاهش رفتار ضداجتماعی و قانون‌گریزی منجر می‌شود، تبیین‌های متفاوتی از سوی محققان ارائه شده است.

نخست، یک تبیین معتقد است که وجود هنجار تقابل، مشروط به اینکه صرفاً در دایره روابط درون‌گروهی و خانوادگی نماند و به اعضای گروه‌های گسترده‌تر و بیگانه نیز قابل تعمیم باشند، می‌تواند اثر کاهنده جرم را داشته باشند، زیرا این هنجارها می‌توانند هزینه مبادلات را در روابط و معاملات اجتماعی و فعالیت‌های بازار کاهش دهند (دیکمن،

(۲۰۰۴).

دوم، برخی از محققان، برای مثال، پورتس (۱۹۹۸) با مفهوم «صورت حساب‌های اجتماعی»، به تبیین رابطه بین هنجار تقابل و قانون‌گریزی پرداخته‌اند. پورتس معتقد است که تبادلات دوجانبه، به انباشتگی «صورت‌حساب‌های اجتماعی» منجر می‌شود که کنشگران را ملزم به تعهداتی می‌سازد، بدون آنکه صورت و زمان بازپرداخت آنها مشخص باشد. پورتس، یکی از کارکردهای هنجار تقابل را کنترل اجتماعی می‌داند.

سوم، تبیین دیگر، به فوکویاما (۲۰۰۰) و پوتنام (۲۰۰۱) مربوط می‌شود. آنها معتقدند که تقابل اجتماعی، از طریق تقویت همکاری در جامعه، اثر کاهنده جرم در جامعه دارد؛ هرچند آنها معتقدند که همیشه همکاری اثر مثبت بر رفاه کل جامعه ندارد و برای مثال از همکاری در میان اعضای گروه‌های مافیا یاد می‌کنند.

چهارم، برخی به اثر عمده هنجار تقابل؛ یعنی تقویت تعهدات مدنی و پایبندی به قواعد اجتماعی، به عنوان مهمترین کارکرد هنجار تقابل در پیشگیری از قانون‌گریزی تأکید دارند. برای مثال، پورتس و لاندولت (۱۹۹۶)، ضمن آنکه تقابل را نشان‌دهنده تعهد مدنی مبتنی بر قواعد مفروض و هنجارهای مشترک تلقی می‌کنند، معتقدند که امنیت هر جامعه تا حد زیادی به پایبندی به قواعد و نیز به ظرفیت مصوبات جمعی بستگی دارد. آنها نشان دادند که تعهدات مدنی، اطاعت و پایبندی افراد در جامعه را تضمین می‌کند و افراد را مستعد و متمایل به کنش جمعی سودمند کرده که همگی به تقابل منجر می‌شوند.

پژوهش حاضر، از یک محدودیت نیز برخوردار بود. مهمترین محدودیت این مطالعه، به ابزار سنجش هنجار تقابل مربوط می‌شد. از آنجا که مقیاس هنجار تقابل، یک مقیاس خودسنج است، بنابراین، ممکن است تحت تأثیر علائق افراد به معرفی خود یا خودنمایی و راهبردهای مدیریت برداشت قرار گیرد (فارنهام، گرینوالد و باناجی، ۱۹۹۹). بنابراین، به محققان آینده پیشنهاد می‌شود که برای سنجش متغیر هنجار تقابل، از

ترقی‌نژاد، امیر. (۱۳۸۹). «یزد، رتبه اول در حوادث ترافیکی»، *روزنامه جام جم*، ش ۳۰۲۸، ص ۱۹.

یعقوبی، حمید. (۱۳۷۹). «بررسی نقش عوامل انسانی در بروز تصادفات رانندگی در ایران»، *اندیشه و رفتار*، ش ۶ (۲۱)، ص ۶۰-۶۷.

- Axelrod, R. (1984) *The Evolution of Cooperation*. New York: Basic.
- Buonanno, P. B. Montolio, D. and Vanin, P. (2006) "Does Social Capital Reduce Crime?" *Marco Fanno Working Paper*, N. 29.
- Chamlin, M. B. and Cochran, J. K. (1997) "Social Altruism and Xrime". *Criminology*, 35(2): 203-228.
- Cialdini, R. B. Green, B. L. and Rusch, A. J. (1992) "When Tactical Pronouncements of Change Become Real Change: the Case of Reciprocal Persuasion." *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 30-40.
- Cialdini, R. B. Kallgren, C. A. and Reno, R. R. (1991) *A focus theory of normative conduct: a theoretical refinement and reevaluation of the role of norms in human behavior*. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 24, pp. 201-234). New York: Academic.
- Davis, M.S. (2006) "Crime Mala in Se: An Equity-Based Definition". *Criminal Justice Policy Review*, 17: 270-289.
- Diekmann, A. (2004) "The Power of Reciprocity: Fairness, Reciprocity, and Stakes in Variants of the Dictator Game." *Journal of Conflict Resolution*, 48 (4): 487-505.
- Farnham, S. D. Greenwald, A. G. and Banaji, M. R. (1999) *Implicit self-esteem*. In: D. Abrams, and M.A. Hogg, (Eds.) *Social identity and social cognition* (pp. 230-248). Bodmin: M.P.G. Books Ltd.
- Field, J. (2003) *Social Capital*, London: Routledge.
- Finch, D. J. Kompfner, P. Lockwood, C. R. and Maycock, G. (1994) "Speed, speed limits and accidents." Transport Research Laboratory; 1994 (Project Report 58).
- Fukuyama, F. (2000) *Social capital and civil society*. Working paper 00/74. Washington, DC: International Monetary Fund.
- Goren, H. and Bornstein, G. (1999) *Reciprocation and learning in the Intergroup Prisoner's Dilemma Game*. In D. V. Budescu, I. Erev, & R. Zwick (Eds.), *Games and human behavior: Essays in honor of Amnon Rapoport* (pp. 299-314). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Gottfredson, M. and Hirschi, T. (1990) *A general theory of crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Gouldner, A. W. (1960) "The Norm of Reciprocity: A Preliminary Statement." *American Sociological Review*, 25:161-78.

مقیاس‌های خودسنج همراه با مقیاس‌های غیرمستقیم تر که نسبت به علائق افراد کمتر آسیب‌پذیرند، استفاده نمایند.

نتایج این پژوهش، یک جنبه کاربردی مهم نیز دارد. از نتایج این پژوهش می‌توان به‌منظور اقدامات مداخله‌ای در جهت کاهش تمایل استفاده‌کنندگان موتورسیکلت به قانون‌گریزی و نقض قوانین رانندگی استفاده نمود. اگر بپذیریم که ضعف افراد در زمینه باورشان نسبت به هنجارهای تقابل اجتماعی، رابطه مثبتی با هنجارشکنی در استفاده از موتورسیکلت دارد، پس با تقویت باورها و پایبندی آنها به هنجارهای تقابل اجتماعی فراتر از روابط خانوادگی از طریق مداخله‌های اجتماعی و رفتاری در میان استفاده‌کنندگان موتورسیکلت می‌توان انتظار داشت تعهدات مدنی و پایبندی به قواعد اجتماعی و هنجارهای مرتبط با رانندگی آنها افزایش یابد.

تشکر و قدردانی

محقق بر خود لازم می‌داند که از سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، فرماندهی محترم نیروی انتظامی و نیز از ریاست محترم دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان یزد به جهت حمایت مالی و معنوی این پروژه و نیز از کارشناسان پلیس راهور شهر یزد به جهت کمک‌های بی‌دریغ‌شان در جمع‌آوری داده‌های این تحقیق سپاسگزاری نماید.

منابع

- باقیانی مقدم، محمد حسین؛ حلوانی، غلامحسین؛ و احرامپوش، محمد حسن. (۱۳۸۵). «بررسی تیپ شخصیتی و وضعیت حادثه در موتور سواران حادثه دیده شهرستان یزد، سال ۱۳۸۳»، *مجله دانشکده علوم پزشکی مازندران*، ش ۱۶ (۵۱)، ص ۶۹-۷۴.
- پاکزاد مقدم، سید حسین. (۱۳۸۰). *تعیین نقش پرسنل راهنمایی و رانندگی در میزان ترافیک شهرستان یزد*، پایان‌نامه دانشکده پزشکی علی ابن ابیطالب، سال ۸۰-۱۳۷۹.

- Perry, A. R. and Baldwin, D. A. (2000) "Further Evidence of Associations of Type A Personality Scores and Driving-Related Attitudes and Behaviors." *Percept Mot Skills*, 91(1): 147-54.
- Perugini, M. Gallucci, M. Presaghi, F. and Ercolani, A. P. (2003) "The Personal Norm of Reciprocity." *European Journal of Personality*, 17: 251-283.
- Portes, A. (1998) "Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology." *Annual Review of Sociology*, 24:1-24.
- Portes, A., and Landolt, L. (1996) "The Downside of Social Capital." *The American Prospect*, 26: 18-21.
- Putnam, R. D. (1995) "Bowling Alone: America's Declining Social Capital". *Journal of Democracy*, 6(1), 65-78.
- Putnam, R. D. (1996) "The Strang Disappearance of Civic America." *Journal of The American Prospect*, 7: 1-8.
- Putnam, R. D. (2001) *Bowling alone*. New York: Simon and Schuster.
- Ranney, T. A. (1999) "Psychological Factors that Influence Car-Following and Car-Following Model Development." *Transportation Research Part 2*, 2: 213-219.
- Reckless, W. C. (1971) *The crime problem*. New York: Appleton-Century-Crofts.
- Robarchek, C. A. and Robarchek, C. J. (1998) "Reciprocities and Realities: World Views, Peacefulness, and Violence Among Semai and Waorani." *Aggressive Behavior*, 24, 123-133.
- Rosenfeld, R. Messner, S. F. and Baumer, E. P. (2001) "Social Capital and Homicide". *Social Forces*, 80(1): 283-310.
- Sampson, R. J. and Groves, W. B. (1989) "Community Structure and Crime: Testing Social Disorganization Theory." *American Journal of Sociology*, 94: 774-802.
- Sampson, R. J. Morenoff, J. D. and Earls, F. (1999) "Beyond Social Capital: Spatial Dynamics of Collective Efficacy for Children." *American Sociological Review*, 64:633-60.
- Schwartz, S. H. (1977) *Normative influence on altruism*. In L. Berkowitz (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 10, pp. 222-275). New York: Academic.
- Walster, E. Walster, G. and Berscheid, E. (1978) *Equity: Theory and research*. Boston: Allyn & Bacon.
- West, S. G. and Wickland, R. A. (1980) *A primer of social psychological theories*. Monterey, CA: Brooks/ Cole.
- Wilson, J. Fang, M. and Wiggins, S. (2003) "Collision and Violation Involvement of Drivers who Use Cellular Telephones." *Traffic Injury Prevention*, 4:45-52.
- Ziersch, A. M. (2005) "Health Implication of Access to Social Capital: Findings from an Australian Study." *Journal of Social Science and Medicine*, 61: 2119-2131.
- Halpern, D. (2009a) "Capital Gains", *RSA Journal* Autumn, 10-15.
- Heaton, P. (2006) "Does Religion Really Reduce Crime?". *Journal of Law and Economics*, 49(1): 147-172.
- Hijar, M. (2003) "Driver impairment regional review report: Impairment driving in Latin America and Caribbean Countries. Scooping study report." London, UK: The Transport Research Laboratory. IHS Facts: 55 speed limit, Insurance Institute for Highway Safety (IIHS); 1987.
- Hirschi, T. (1969) *Causes of delinquency*. Berkeley: University of California Press.
- Inclan, C. Hijar, M. and Tovar, V. (2005) "Social Capital in Settings with A High Concentration of Road Traffic Injuries. The Case of Cuernavaca, Mexico." *Social Science & Medicine*, 61: 2007-2017.
- Kerr, N. L. Garst, J. Lewandowski, D. A. and Harris, S. E. (1997) "That Still, Small Voice: Commitment to Cooperate as an Internalized Versus A Social Norm." *Personality and Social Psychology Bulletin*, 23, 1300-1311.
- Komorita, S. S. and Parks, C. D. (1999) *Reciprocity and cooperation in social dilemmas: review and future directions*. In D. V. Budescu, I. Erev, & R. Zwick (Eds.), *Games and human behavior: Essays in honor of Amnon Rapoport* (pp. 315-330). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Matsunaga, K. (1996) "Insufficient Headway and Unforeseen Greater Stopping Distance as Combined Factors in Traffic Accidents." *Paper prepared for the First Japan-Finland Joint Meeting on Traffic Safety*, August 27-29, 1996, Finnish Psychological Association, Turku, Finland.
- Messner, S. F. Baumer, E. and Rosenfeld, R. (2004) "Dimensions of Social Capital and Rates of Criminal Homicide". *American Sociological Review*, 69(December): 882-903.
- Mock, C. Amegashie, J. and Darteh, K. (1999) "Role of Commercial Drivers in Motor Vehicle Related Injuries in Ghana." *Injury Prevention*, 5:268-271.
- Murray, C. and Lopez, A. (1997) "Alternative Projections of Mortality and Disability by Cause 1990-2020." *Global Burden of Disease Study*, 349: 1498-504.
- Nabi, H. Consoli, S. M. Chastang, J. F. Chiron, M. Lafont, S. and Lagarde, E. (2005) "Type A Behavior Pattern, Risky Driving Behaviors, and Serious Road Traffic Accidents: A Prospective Study of the GAZEL Dohort." *American Journal of Epidemiology*, 161(9): 864-70.
- Pattillo, M. E. (1998) "Sweet Mothers and Gangbangers: Managing Crime in a Black Middle- Class Neighborhood." *Social Forces*, 76 (3):747-774.
- Perry, A. R. (1986) "Type A Behavior Pattern and Motor Vehicle Drivers Behavior." *Percept Mot Skills*, 63(2 Pt 2): 875-8.